

سجادپور - اعضای یک باند زور گیری که برای سرقت گوشی تلفن همراه با یک زوج جوان در گیر شده بودند، در حالی با تلاش نیروهای کلانتری شقای مشهد به دام افتادند که به زور گیری از ۵ شهروند دیگر نیز اعتراف کردند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، بامداد آخرین روز اردیبهشت، یک زوج جوان از در مانگاه ایثار گران مشهد خارج شدند و به طرف بولوار ایوطالب به راه افتادند،

اما در همین هنگام ناگهان سرنشینان یک دستگاه موتورسیکلت از راه رسیدند و دو تن از آنان در حالی با زوج جوان درگیر شدند که همدست آنان با موتورسیکلت روشن منتظر سرقت گوشی تلفن بود،ولی مرد جوان به مقابله با زورگیران پرداخت و با سرو صدا از شهروندان و رهگذران کمک خواست. اهالی محل که متوجه ماجرا شده بودند بلافاصله با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و بدین ترتیب گروه گشت ویژه کلانتری شفاوار دخیابان

درگیری زورگیران مست بازوج جوان

ایوطالب شد. زورگیران که پلیس را مقابل خود می دیدند، تلاش کردند تا با ورود به کوچه پس کوچه های اطراف از چنگ قانون بگریزند اما نیروهای انتظامی آن هارا محاصره کردند و حلقه های قانون را بر دستانشان گره زدند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، با انتقال ۳ متهم مذکور به مقر انتظامی، بازجویی هااز آنان با دستورهای سروان سیکبار (رئیس کلانتری شقای مشهد) آغاز و

پاتک پلیس به ۳ شرکت هرمی اتباع خارجی در مشهد

فیلم های وحشتناک شکنجه

برای باج گیری از خانواده ها!

سید خلیل سجادپور -سرکردگان ۳ شبکه بزرگ شرکت های هرمی که به بهانه اقامت و کار در ترکیه، اتباع خارجی را اغفال می کردند و سپس با همکاری طعمه ها به باج گیری از خانواده های آنان می پرداختند در حالی با تلاش پلیس مشهد دستگیر شدند که فیلم های وحشتناکی از شکنجه و تهدید به قتل را برای خانواده های قربانیان ارسال می کردند. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، با مجرای گروگان های شرکت هرمی از پنجم اردیبهشت در حالی لو رفت که پدر جوان ۲۰ ساله تبعه خارجی وحشت زده و هراسان به پلیس رفسنجان مراجعه کرد و با نشان دادن یک فیلم به نیروهای انتظامی گفت: افراد ناشناسی پسر مرا به گروگان گرفته اند و تقاضای ۲ هزار و ۷۰۰ دلار برای آزادی او کرده اند. ما هم از ترس آن که فرزندمان را به قتل می رسانند با همکاری و کمک فامیل



بالاخره ۹۵ میلیون تومان فراهم و به حساب بانکی آن ها واریز کردیم ولی آن ها که مدعی هستند در مرز غربی کشور مستقر شده اند، پسرمان را رها نکردند و تقاضای پول بیشتری دارند و ...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، طولی نکشید که با پیگیری های پلیس مشخص شد گروگان مذکور در مشهد است و همه تماس ها از منطقه ای در مشهد برقرار می شود. این گونه بود که گروهی از نیروهای انتظامی رفسنجان با در دست داشتن نیابت قضایی عازم مشهد شدند و موضوع به صورت محرمانه در دستور کار پلیس مشهد قرار گرفت. ساعتی بعد با فرمان ویژه سرهنگ احمد نگهبان (فرمانده انتظامی مشهد) گروهی از افسران کلانتری گلشهر مشهد تحقیقات گسترده ای را برای ردیابی دقیق محل استقرار گروگان گیران آغاز کردند که در نتیجه

خود را داشتند تا بتوانند پولی برای عضوی در شرکت هرمی فراهم کنند. آنان در بازجویی شد مدعی شدند به بهانه اقامت و یافتن شغل مناسب در ترکیه، افراد را جذب شرکت هرمی می کردند و به آن اطمینان می دادند که هر کس فرد دیگری را عضو شرکت مذکور کند، مبلغ ۱۰۰ دلار به حسابش واریز می شود و این گونه همه افرادی که فریب خورده بودند، تلاش می کردند تا دیگر دوستان و آشنایان خود را با ترغیب اقامت در ترکیه به مشهد بکشانند و به عضویت شرکت هرمی درآورند! همچنین بررسی های پلیس بیان آن بود که سرکردگان شرکت هرمی با همکاری طعمه های خود، فیلم های شکنجه را طوری تهیه می کردند که خانواده ها تحت تاثیر قرار بگیرند و برای پیشگیری از قتل فرزندشان مبلغ خواسته شده را به حساب یک صرافی واریز کنند یا به صورت ارز دیجیتال بپردازند!

بنا بر گزارش روزنامه خراسان، در بازرسی از محل این شرکت هرمی، تعداد زیادی بروشورهای تبلیغاتی و لپ تاپ نیز کشف و مشخص شد که سرکردگان شرکت هرمی اتباع افغانستانی جویای کار را با این شگرده به دام می انداختند. در ادامه این عملیات و اعترافات متهمان دستگیر شده، دو مرکز دیگر شرکت های هرمی نیز در مشهد لو رفت و بدین ترتیب عوامل انتظامی موفق شدند ۲۷ تن دیگر از اعضای شرکت های هرمی در بولوار توس و شهرک مهرگان را از چنگ سرکردگان آن ها رها کنند. در همین زمینه، فرمانده انتظامی مشهد با بیان این که همه متهمان به دستگاه قضایی معرفی شده اند، به خانواده ها نیز توصیه کرد: به هیچ وجه به درخواست مبالغ میلیونی (معمولا بالای ۳۰ میلیون تومان) فرزندان تان که به بهانه استخدام، کار یا خرید



وسيله نقلیه راهی تهران یا شهرهای دیگر شده اند، پاسخ مثبت ندهید و بلافاصله در صورت چنین تقاضاهایی ابتدا پلیس را در جریان موضوع بگذارید. سرهنگ احمد نگهبان افزود: شهروندان در صورت مشاهده رفت و آمد های مشکوک تعدادی جوان به یک منزل یا واحد آپارتمانی در همسایگی خود، بی درنگ به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند.

وی در پایان به شهروندان هشدار داد: در صورتی که دوستی قدیمی یا آشنایان دور و نزدیک با فرزندان تان برای استخدام با حقوق طبقات نیز شعله ور شده است. اعضای شرکت های هرمی در بولوار توس و شهرک مهرگان را از چنگ سرکردگان آن ها رها کنند. در همین زمینه، فرمانده انتظامی مشهد با بیان این که همه متهمان به دستگاه قضایی معرفی شده اند، به خانواده ها نیز توصیه کرد: به هیچ وجه به درخواست مبالغ میلیونی (معمولا بالای ۳۰ میلیون تومان) فرزندان تان که به بهانه استخدام، کار یا خرید

۳تن در شعله های آتش آپارتمان ۵ طبقه سوختند

داد: هشت نفر در ابتدای این سانحه دچار دودزدگی شدید شده بودند و حتی سه نفر از آتش نشانان که ابتدا به محل اعزام شدند ماسک محافظتی خود را باز کردند و آن را روی صورت مصدومان قرار دادند. وی اظهار کرد: به دلیل شدت دودزدگی تاکنون سه نفر از این مصدومان فوت کردند و پنج نفر دیگر نیز به مراکز درمانی منتقل شدند.

آتش نشانان مشخص شد که آتش در طبقه چهارم این ساختمان روی داده و دود تمام ساختمان را در بر گرفته و آتش از یکی از طبقات نیز شعله ور شده است. عیدی پور با بیان این که آتش نشانان ابتدا برای نجات جان ساکنان ساختمان اقدام کردند، گفت: حدود ۴۰ نفر از ساکنان به سمت بیرون هدایت شدند. وی ادامه

ساختمان پنج طبقه سوم خرداد ۱۴۰۲ به سازمان آتش نشانی اعلام شد و آتش نشانیان هفت ایستگاه عملیاتی به همراه دستگاه خودروی مخصوص مهار آتش، ۲ دستگاه خودروی بالابر و یک دستگاه خودروی نجات به محل حادثه اعزام شدند. رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شیراز خاطر نشان کرد: با اعزام

آتش سوزی آپارتمان پنج طبقه در شیراز سه فوتی و پنج مصدوم به جا گذاشت. رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شیراز گفت: در پی آتش سوزی ساختمان پنج طبقه ای در شیراز سه نفر فوت کردند و پنج نفر دچار مصدومیت شدید شدند. هادی عیدی پور روز گذشته در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: آتش سوزی

با کشف ۱۵ قبضه سلاح جنگی کلت کمری

باند قاچاق سلاح و مهمات در جنوب کرمان متلاشی شد

توکلی -دومین باند قاچاق سلاح و مهمات در جنوب استان کرمان متلاشی شد. به گزارش خراسان، رئیس حوزه قضایی بخش جازموریان اظهار کرد: با تلاش و مجاهدت سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان کرمان، این دومین باند قاچاق سلاح و مهمات است که ظرف کمتر از یک ماه گذشته در جنوب استان متلاشی می شود. قاضی علی رضا محمدی ادامه داد: اعضای این باند قصد داشتند این محموله سلاح و مهمات را که از مرزهای شرقی وارد کشور کرده بودند در استان های عمقی و مرز کزی کشور توزیع کنند. این مقام قضایی افزود: این باند بار صد اطلاعاتی در خروجی شهر زهکلو ت در عملیات منسجم اطلاعاتی هدف ضربه و حمله قرار گرفت که دو متهم دستگیر شدند و ۱۵ قبضه سلاح جنگی کلت کمری، ۳۰ تیغه خشاب و ۸۰۰ عدد فشنگ جنگی از این باند کشف شد. قاضی محمدی تاکید کرد: دستگاه قضایی در زمینه قاچاق سلاح حساسیت ویژه دارد و با باند ها و افرادی که در این زمینه فعالیت دارند و عامل ناامنی برای شهروندان هستند به طور جدی برخورد خواهد کرد.

در امتداد تاریکی

دوست اجتماعی!

وقتی همکلاسی هایم از «دوست اجتماعی» سخن می گفتند و با آب و تاب از ارتباط های خیابانی خودشان تعریف می کردند با حسرت به گفته های آنان گوش می دادم و نزد آنان احساس حقارت می کردم که چرا من نباید مانند آن ها «دوست اجتماعی» داشته باشم و ... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها قسمتی از نوشته های غم انگیز زن ۲۰ ساله ای است که خود را یکی از قربانیان تبلیغات سوء فرهنگ غربی می داند که با عنوان «دوست اجتماعی» در میان برخی جوانان و نوجوانان وجود دارد.

این زن جوان درباره سرگذشت خود نوشته است ۱۷ سال بیشتر نداشتم که روزی در حیاط مدرسه یکی از همکلاسی هایم برای دیگران از ارتباط خودش با پسری جوان سخن می گفت و نام این ارتباط سیاه را «دوست اجتماعی» گذاشته بود. آن روز برای اولین بار این موضوع را می شنیدم ولی «نیلوفر» چنان با آب و تاب حرف می زد که همه دوستانم محو سخنان او شده بودند. با وجود این نیلوفر مدعی بود که ارتباط آن ها فقط در حد یک دوستی ساده است و هیچ گونه ارتباط هوس آلودی با یکدیگر ندارند. برای من که تا آن روز با هیچ پسری ارتباط نداشتم ماجرابی بسیار عجیب بود به همین دلیل هم سعی کردم رابطه ام را با نیلوفر بیشتر کنم. بنا به توصیه «نیلوفر» خیلی زود وارد گروه های اجتماعی در فضای مجازی شدم که پسران زیادی نیز در آن گروه های تلگرامی عضو بودند. من هم خیلی زود با «همایون» آشنا شدم.

او زیر پست هایم پیام می گذاشت و مرا دنبال می کرد. از سوی دیگر تحت تاثیر حرف های نیلوفر قرار داشتم و خیلی عادی با «همایون» رفتار می کردم. او هم با تعریف و تمجید از پست ها و نوشته های زیربایم، مرا دختری بی نظیر می خواند تا این که بالاخره موضوع «دوستی اجتماعی» با من را مطرح کرد. من هم خیلی زود پذیرفتم و این گونه روابط تلفنی و دیدار های حضوری من و همایون به عنوان «دوست اجتماعی» آغاز شد. حالا دیگر با هم به جشن ها و پارتی های شبانه می رفتیم و به دور از چشمان خانواده ام در کوچه و خیابان قدم می زیدم. نیلوفر هم به منتظر چنین صحنه ای بود، مرا به گروه های اجتماعی دیگر کشاند. روابط من و همایون آرام آرام به رفتارهای هوس آلود رسید، بود، اما باز هم خودم را توجیه می کردم که او «دوست اجتماعی» من است و نباید به موضوعات خاصی مانند محرم و نامحرم فکر کنم! حالا دیگر با هم به گشت و گذاری می رفتم و هنگامی که در مکانی تنها بودیم او فیلم های مبتذل و مستهجن به من نشان می داد و این گونه مرا وادار به رفتارهای شرم آور می کرد تا این که بالاخره به پیشنهاد «همایون» و برای یک جشن تولد دو نفره به باغ ویلای یکی از دوستانم رفتیم و آن جا بود که به گرداب بدبختی و فلاکت سقوط کردم. هنوز مدتی از این ماجرای تلخ نگذشته بود که فهمیدم «همایون» با دختر دیگری هم ارتباط دارد و دیگر مانند گذشته به من اهمیتی نمی دهد. وقتی به او اعتراض کردم خیلی راحت گفت: ما تاکنون با یکدیگر دوست اجتماعی بودیم و حالا دیگر نیستیم!

از سوی دیگر من که آینده ام به تباهی کشیده شده بود، به ناچار ماجرا را برای خانواده ام بازگو کردم. هیچ گاه چشمان نگران و اشک آلود پدرم را نمی توانم از خاطر برم که حیرت زده به مادرم می نگریست. بالاخره شبانه پدر و مادرم راهی منزل خود خانواده همایون شدند و آن ها را تهدید به شکایت کردند که همایون دخترشان را فریب داده است!

پدر همایون هم که موقعیت اجتماعی خوبی در جامعه داشت، به پدرم قول داد که پسرش با من از دواج می کند! خلاصه چند روز بعد و بدون برگزاری هیچ گونه مراسمی من و «همایون» در حالی پای سفره عقد نشستیم که من دیگر به هیچ وجه علاقه ای به او نداشتم و او را مناسب از دواج با خودم نمی دانستم ولی برای جلوگیری از یک رسوایی بزرگ در بین فامیل مجبور بودم تا با او از دواج کنم اما مدتی بعد من در دانشگاه آزاد تهران پذیرفته شدم و به دانشگاه رفتم. این در حالی بود که «همایون» هم با دختر دیگری که به عنوان «دوست اجتماعی» انتخاب کرده بود، همچنان ارتباط داشت و از سوی دیگر روابط بسیار سرد عاطفی بین ما برقرار بود تا این که بالاخره تقاضای طلاق دادم و از او جدا شدم تا آبرویم را حفظ کنم. با آن که اکنون هر فردی به خود اجازه می دهد حتی با شرایط بسیار نامناسب از من خواستگاری کند ولی تازه فهمیدم که چه اشتباه بزرگی را با تبلیغات سوء فرهنگ غربی مرتکب شده ام و ...

ماجرای واقعی براساس سرگذشت یکی از مخاطبان